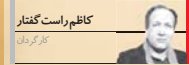


کتاب



# حرف‌های بی حاصل درباره محیط زیست



کاترم راست کخاتیر  
کارگردان

در ده‌دهای ناخوابسته هست که گاهی بخش بزرگی از جامعه ما را فرا می‌گیرد. در دهایی که ششادند نگران درباره تمام ابعاد آن سخن گفت در دهایی هست که سینه را می‌سوزاند چشم را آب می‌آورد و... حال این درد پس از این که در قسوره اولدی هوا پدیدار شده بود این بار از آستین زیر گردن‌ها و گرد و خاکی که وارده‌خشن‌هایی از کشور شده در آمده

است درباره این درد چه می‌توان گفت؟ این درد ناخوابسته‌ای است که به مردم خوزستان (و به تبع آن همه کشور) عارض شده و کاری از دست آنها برنمی‌آید جز تحمل واقعبینانه این است که به این موضوع یعنی مشاهده این وضع اسفناور و مشکلات بعدی برای این مردم بی‌گناه بوجود می‌آید و دل هر ایرانی که سهل است قلب هر انسان راه دردها می‌آورد.  
این امید وجود دارد که مسئولان وظیفه ذاتی خود را انجام دهند به فکر مردم باشند و مسأله را حل کنند. گمان این است که مشکل موجود آمده قابل حل است نگاه بی‌کشورهای بی‌باقی همچوار مؤید این امر است. اطرافت عربستان، عراق و... که با همین مشکلات، شاید چند پند برایش بیشتر، واقعاً را ببیند آنها تا بدیری اندیشیده‌اند و تا حد زیادی این مشکلات را حل کرده‌اند. ما به چشم خود و نزدیک این

موضوع آما مشاهده کردیم به راحتی کاری کردیم که ریزگردها، خشکی حتی نزدیک شهرهاش هم نمی‌آیند اگر آنها توانستند پس ما هم می‌توانیم. تنها چیزی که مورد نیاز است، کمی تأمل، دلسوزی و بودجه است.  
سعدی به زیبایی می‌فرماید: «چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار» هیچ انسانی نمی‌تواند و نباید نسبت به عضوین خود، اهم از همشهری، ایرانی، یا هر جای این کره خاکی، بی‌توجه باشد. با مشاهده این وضع جرفانی و درآورد این مشکلات ما گرفتار آن شده‌اند، نباید برای ما قساری باقی بماند در

**من به عنوان یک کارگردان، ده‌ها بار به سازمان حفاظت محیط زیست رفتم و مشکلاتی را که خوششان بهتر از ما اطلاع دارند بازخوانی کرده‌ام. به آنها گفته‌ام که حاضر دو اولیانه در حل مشکلات شرکت کنیم. تنها جوابی که گرفته‌ام این است: «ما است. متأسفانه به نظر می‌رسد مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست این موضوع را جدی نگرفته‌اند. بسیاری افراد در این سازمان، افرادی غیر متخصص هستند که با رابطه وارد این سازمان شده‌اند یا جلالتی بی‌تجربه می‌کند اما خروسی ندارد. همه این افراد شاهد نبودن سریع نه فقط اهواز و خوزستان، که همه این هستند اما دست به سینه نشتند.**

راه تعویق می‌اندازند من به عنوان یک کارگردان، ده‌ها بار به سازمان حفاظت محیط زیست رفتم و مشکلاتی را که خوششان بهتر از ما اطلاع دارند بازخوانی کرده‌ام. به آنها گفته‌ام که حاضر دو اولیانه در حل مشکلات شرکت کنیم. تنها جوابی که گرفته‌ام این است که «چاره بدهید تا این موضوع را در کشور مطرح کنیم، شورای بالای دست‌ی ما می‌آیند کند. آقای فلان و خانم بهمان موافقت کننده فلاتی امروز نیستند. این یکی امروز می‌تواند دیگری موافق است. یک روز قیر نیست، روز دیگر قضا و...» حرف‌های بی حاصل دیگر، سازمان عریض و طویل محیط زیست، بودجه در یافت می‌کند اما خروسی ندارد. همه این افراد شاهد نبودن سریع نه فقط اهواز و خوزستان، که همه این هستند اما دست به سینه نشتند.

**امروز یا مولانا**  
ای شه و شاهشنه من باز شوباد و برم  
سر بنهم یا یکشم بیسر و یا می نگرم

**برش**  
**ریتیم ملایم**  
اگر بشه چشمات رو ببندی، سبک بشی و پارینتم ملایم صدای جویبار پر از یرف آب شنیده‌ای لای، بالا و بالاتر و به لذت کلبشایی رو به جوش بکشی، بعد از کوچ این روایتی، خنای نیست سارت بهو گوشه آسنتیت رول تو که تو از لایه‌های غباری که معلق بودش رو به رخت می‌کنه سقوط کنی شاید این طوری بشه احساس برد چهل و چند ساله‌ای رو فهمید که نسوی همین محدود به خط و نشون‌های مصنوعی، نقش «هوسنده» رو به عهد گرفت تا شاید بونه چکبندی از وجودش برای اثبات بقا رو در قالب کلمت سبک و سر سخته، روی کاغذهای کاغی حک کنه  
برشی از کتاب «سقوط»

**یک خبر یک نگاه**  
**ارگ کریم خان زیر سایه هتل آسمان**  
برخی از دوستداران میراث فرهنگی هتل ۱۸ طبقه آسمان را که در خیابان رودکی شیراز در حال احداث است عملی را تجاویز به فضای منطقی و بعضی ارگ کریم خان شیراز قلمداد می‌کنند و معتقدند احداث این هتل و تجاویز به فضای صریح ارگ، بخت‌گراگ کریمخان شیراز را برای ثبت در آثار جهانی و مورد حمایت یونسکو کاهش می‌دهد. این تصور بی‌بایستی یونسکو به توقف هتل آسمان شیراز شد. در این باب بهیوه و به گزارش chn آمده: هتل آسمان» آجر به آجر برج به برج طبقه به طبقه ساخته می‌شود تا قد بکشد و سر به آسمان بسازد. این هتل معنوی توجیه به سفر مسئولان یونسکو و ناگز مستقیم بر خصوص این کار تفاع رودکی بر این ثبت‌تین اثر یونسکو مسالمت می‌کند. آیا بازار هاید شاهد کشفیدن این ساختمان باشیم؟

**شاتر**  
**توقف در دهه ۶۰**  
اکثر شهرهای استان سیستان و بلوچستان برای تأمین سوخت زمستانی همچنان از طریق کوبین و خرید نفت ادامه دارد.

**امروز چه چی فکر می‌کنی؟**  
**زن معلول، زن است**  
زینا خدایی  
عکس  
هر کدام از انسان‌ها حق دارند موضوعی را به عنوان اولویت خود در جنبه‌های مختلف زندگی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) بپذیرند. این موضوع علاوه بر این که حقی غیر قابل نفی است، ویژگی انسانی نیز بشمار می‌رود. بر این اساس زنان سرزمین، مهم‌ترین مسأله اجتماعی می‌هستند - زانی عبور، زینا و نامند - گرایش من به عنوان یک عکاس در انتخاب موضوعی برای عکاسی، طبقه‌ای خاص از زنان را شامل می‌شود، زنان معلول... قشر آسیب‌پذیری که در اجتماع ما دیده می‌شوند و عده‌ای از ما مشکلات آنها آشنا هستیم. شاید گاهی از سسر ترجم و دلسوزی و دیدن ناتوانی این افراد، در نهان با آشکارا اشکی ریخته باشیم اما این تمام مسأله نیست مسلم این است بنا به حادته یا اختلالاتی، زن معلول در چه نسائی مایه وجود می‌آید اما این انسان است... موجودی با تمام خصوصیات انسانی که البته عاطفه‌ای می‌فهمد، باید اشار و تأکید کرد این زنان، صرفاً ذی‌نفع نیستند و در نهان صحت عقلی اما با اندام‌هایی از کار افتاده‌اند. هنگام کار بر پروژه عکاسی از زنان معلول، در ریتم در معلولیت زنان، حقیقتی نهفته است که بازبایستی متعلی تر و واقعی تر کنند. این تفاوت، جز به افکار، می‌تواند به فکر و رفتار و گفتار نیز تعمیم پیدا کند و با این کار، موجب رشد خود شود. مازکس جمله‌ای دارد که می‌گوید: «شرم، حسی انقلابی است. یعنی شما باید اینجا، به خودتان، متفکرانه نگاه کنید که از کردار یا نوشتار، یا رفتار خود، شرم کنید. این شرم، باعث رشد می‌شود به این صورت که دیگر یک رفتار یا کردار شرم‌آور را تکرار نخواهی کرد. کتابی وجود دارد به اسم «همپایای سرخ»، در این کتاب که نگارش آن با همکاری کاترینا دارد، بیوگرافی من موجود است.

**خودانتقادی**  
**شرم، حسی انقلابی است**